

Case No. 120

Date of filing: 20 June 86
1986, 2, 3.

** AWARD - Type of Award _____
- Date of Award _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of George H. Aldrich
- Date 20 June 86
4 pages in English 4 pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

CONCURRING OPINION OF GEORGE H. ALDRICH

Case No. 120

Chamber Two

پروندهء شماره ۱۲۰

شعبهء دو

حکم شماره ۲ - ۱۲۰ - ۲۳۹

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL		ایران ایالات متحدہ داری دعوی	
FILED - ثبت شد			
Date	20 JUN 1988	تاریخ	
	۱۳۶۵ / ۲ / ۲۰		
No.	120	شماره	

چاس تی مین اینترنشنال، اینکورپرویتد،

خواهان،

- و -

سازمان آب و برق خوزستان،

وزارت نیروی جمهوری اسلامی ایران،

خواندگان .

نظر موافق جرج اچ آلدریچ

اینجانب با حکم صادره در پروندهء حاضر موافقم، ولی معتقدم که مبلغ ۴۵۴،۲۸۳ دلار دیگر بابت حق الزحمهء نیمی ازکاری که خواهان طی سال ۱۹۷۹ انجام داده میبایستی به وی پرداخت گردد. مبلغ حکم، یعنی ۱،۲۲۵،۴۶۴/۵۵ دلار آمریکا صرفاً "هزینهء کاری است که در سال ۱۹۷۸ انجام شده است. بنظر اینجانب اگر خواهان در اول ژانویه ۱۹۷۹ (۱۱ دی ماه ۱۳۵۷) کار را متوقف میکرد، این عمل به همان اندازه فرار از زیر بار مسئولیت میبود که ادامهء کار بعد از آن تاریخ و با همان سرعت سال ۱۹۷۸.

اینجانب در موارد زیر با حکم صادره مخالفم. در بند ۱۷ حکم اظهار گردیده که کاری که در سال ۱۹۷۸ انجام گرفته "اساساً" به طور کافی و صحیح و طبق ضوابط صحیح مهندسی انجام شده است.

این نظریه تنهائی غرامت اعطائی را توجیه نمیکند. اما تکلیف کاری که در سال ۱۹۷۹ انجام گرفته چه می شود؟ در بند ۱۴ حکم اظهار نظر شده که "کار خواهان در

سال ۱۹۷۹ منطبق با ضوابط صحیح مهندسی نبوده " و نظرفوق را با این بیان توجیه گردیده که اوضاع و احوال " میبایستی خواهان را وادار می نمود که از سرعت عملیات خود بکاهد. " ضمن تصدیق اینکه خواهان با سرعتی بیش از حد مقرر به کار ادامه داده، نمی توانم بفهمم چگونه این امر تا می کاری را که خواهان در سال ۱۹۷۹ انجام داده، مابین با ضوابط قراردادی روش صحیح مهندسی می سازد، به نحوی که بابت آن هیچ حق الزحمه ای قابل پرداخت نباشد. بدون تردید تخمین این جانب دایره ایست که بابت نیمی از کاری که در سال ۱۹۷۹ انجام شده به موجب قرارداد باید حق الزحمه پرداخت گردد، تخمینی است که درباره آن نظرات مختلف می توان ابراز نمود. با این حال مبنائی برای این نتیجه گیری مندرج در حکم نمی بینم که تصور خواهان در کاستن از سرعت کار خود و محدود کردن آن بعد از ازل ژانویه ۱۹۷۹ (۱۱ دی ۱۳۵۷) باید او را از دریافت هرگونه حق الزحمه ای بابت هر قسمتی از کار مزبور محروم نماید.

بنظر این جانب، برای خواهان امری معقول و مطابق ضوابط صحیح مهندسی بود که در سال ۱۹۷۹ عملیات قسمتهائی از پروژه دوم رضاشاه کبیر را که ارتباط چندانی با ملاحظات زمین شناسی یا لزوم مشورت مکرر با سازمان آب و برق نداشت، ادامه دهد. از طرف دیگر، کار فوق نمی بایستی با همان سرعت برنامه سپتامبر ادامه یابد، و انتخاب محل و کارهای دیگری که قویا " با ملاحظات زمین شناسی و انجام مشورتهای متقابل مرتبط بود، میبایستی تا زمان برقراری روابط و تماس های بهتر و دسترسی به اطلاعات لازم، به حال تعلیق درآید. ضوابط صحیح مهندسی تماس و همکاری نزدیک با کارفرما را بمیزانی بیشتر از آنچه که در اوضاع و احوال اوایل سال ۱۹۷۹ امکان پذیر بود ایجاب می کرد. بدینسان قسمت اعظم کاری که در سال ۱۹۷۹ انجام گرفته با ضوابط صحیح مهندسی که قرارداد ایجاب می نمود، منطبق نبوده است. ولی نمی توانم بپذیرم که کلیه کارهائی که طی سال ۱۹۷۹ انجام شده، ناقص و غیر کافی بوده است. علاوه بر این، رفتار سازمان آب و برق در سال ۱۹۷۹ با این استنتاج که سازمان از خواهان می خواست کلیه کارهای پروژه را متوقف سازد، سازگار نبود. قطعا " موقعی که سازمان آب و برق خوزستان متوجه گردید که خواهان در ایالات متحده

کار خود را سریعاً ادامه می دهد لازم بود قبل از ۱۴ مه ۱۹۷۹ (۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۸) یعنی قبل از تاریخ صدور دستور توقف کار مطلبی در این باره به خواهان بگوید. گزارش شماره ۱۶ پیشرفت کار در ۳۱ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۱ بهمن ۱۳۵۷) ارسال شد، و بنا به اظهار سازمان آب و برق در سومین هفته ماه فوریه دریافت گردید. گزارش انتخاب محل و گزارش موقت پیشرفت کار در اول مارس ۱۹۷۹ ارسال شد و گزارش اخیرالذکر به ویژه چگونگی و سرعت عملیات جاری را روشن می ساخت. در تلکسی که خواهان در اول آوریل ۱۹۷۹ (۱۲ فروردین ۱۳۵۸) از شریک ایرانی خود، یعنی مهندسین مشاور مهاب، دریافت داشت تقاضا گردیده بود که صورتحسابهای تجدیدنظر شده ارسال شود و اطلاع داده شده بود که سازمان آب و برق خدمات واقعی انجام شده وسیله خواهان را به اندازه مقادیر مندرج در صورتحسابها ندانسته و اظهار می دارد که "نرخ نفر - ماه بالا است". این تلکس در آن وضع توأم با فقدان هرگونه دستوری دایر بر توقف کار، موجب شد که خواهان تصور کند که سازمان آب و برق به ادامه کار پروژه علاقمند بوده، یا لاقلاً مخالفتی با آن ندارد.

من متقاعد شده ام که ضوابط صحیح مهندسی ایجاب می کرد که بین خواهان و سازمان آب و برق همکاری نزدیک و مستمری وجود داشته باشد. با آنکه خواهان حق داشته تا زمان دریافت تلکس حاوی دستور توقف کار به بعضی عملیات پروژه ادامه دهد، ولی در نبود اطلاعات مهم زمین شناسی و تماس مؤثر با سازمان آب و برق، با ادامه بدون کم و کاست برنامه کامل کار جانب احتیاط را رعایت ننموده و چنانکه باید به تعهدات قراردادی خود عمل نکرده است. تصمیم خواهان مبنی بر ادامه کاری که انجامش به داشتن اطلاعات زمین شناسی وابسته بود و از آن جمله انتخاب محل، بدون موافقت سازمان آب و برق، و با وجود اطلاع خواهان از اهمیت این قبیل اطلاعات و همکاری با کارفرما، بدان معنی بوده که وی این اقدامات را به مسئولیت خود انجام می داده است. همانطور که در حکم آمده، اینجانب نیز به مشکلات مربوط به تمیز و تشخیص آن قسمت از کار انجام شده توسط خواهان که مستلزم

پرداخت حق الزحمه است، و آن قسمت کار که بدان حق الزحمه تعلق نمی گیرد، واقفم. طبق نظر کارشناسان، خواهان حق دارد بهای کاری را که تا پایان دسامبر ۱۹۷۸ (۱۰ دی ۱۳۵۷) انجام داده، یعنی مبلغ ۱،۲۲۵،۴۶۴،۵۵ دلار آمریکا دریافت نماید. اینجانب با نظر مزبور موافقم و معتقدم که تقریباً "بابت نیمی از کار انجام شده در سال ۱۹۷۹ نیز باید به خواهان حق الزحمه پرداخت شود. بدینسان به عقیده اینجانب، خواهان حق دارد غرامتی به مبلغ کل ۱،۶۷۹،۷۴۸ دلار آمریکا به اضافه بهره دریافت نماید.

George H. Aldrich
 جرج اچ . آلدریج